

سیاره‌های شدن جهان و جامعه

نوشته لسی اسکلیز

ترجمه اسماعیل مردانی گیوی

چکیده: در این مقاله سیاره‌های شدن جهان از چهار دیدگاه مختلف که هر یک از آنها نیز طرفدارانی دارد مورد بررسی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف هر یک به تفصیل بررسی شده است. همچنین به سه مسئله مرتبط با این موضوع، یعنی شهرهای جهانی، جهانی شدن و جنسیت، و تغییرات زیست‌محیطی در سطح جهان از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته شده است.

از آنجا که فرایند سیاره‌های شدن جهان تمامی کشورها و مردم جهان را به شکلهای گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهد و کشور ما نیز در این میان استثنا نیست، ترجمه این مقاله را برای انتشار در مجله مدیرساز سودمند یافتیم.

کلیدواژه‌ها: ۱. سیاره‌های شدن جهان ۲. مدل نظام جهانی ۳. مدل فرهنگ جهانی ۴. مدل نظام سیاره‌ای

یادداشت مترجم

در این مقاله به جای Globalization از واژه سیاره‌های شدن استفاده شده است. علت این انتخاب اشاره صریح اغلب نویسندگان برجسته این مقوله، به مسئله کره زمین، سیاره زمین، ساکنان سیاره ساکنان کره زمین و اصطلاحاتی از این دست است. این نوشته‌ها خواننده را به مفهوم مورد نظر نویسندگان رهنمون می‌شود. برای مثال Rosenau در کتاب (1990) Turbulence in world Politics از ترکیب Planetary Problems یا «مسائل سیاره‌ای» نام برد. همچنین Gilpin در کتاب The Political Economy of International Relations (1987:65) از نفوذ بازار

سرمایه‌داری به تمام نقاط «سیاره زمین» صحبت به میان می‌آورد. Robertson سالهای دهه ۱۹۹۰ را سالهای عدم اطمینان می‌نامد و به «ساکنان کره زمین» و وضعیت آب و هوایی «سیاره زمین» اشاره می‌کند. نویسنده دیگری به نام Ulrich Beck در کتاب خود تحت عنوان Risk Society (1992:22) با اشاره به مخاطرات موجود می‌گوید که «این مخاطرات تمام اشکال زندگی در کره زمین را در معرض خطر قرار می‌دهند. Malcolm Waters نیز در کتاب مشهور خود Globalization (1995:95) می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که

نشد. امیدوارم خوانندگان معادل مناسبتری برای این واژه پیشنهاد کنند.

البته ممکن است «جهانی‌شدن» معادل مناسبی برای واژه Globalization باشد اما در این مقاله به دو مفهوم ظاهراً مشابه و از لحاظ مفهومی کاملاً متمایز تحت عناوین World system و Global System برمی‌خوریم. اصطلاح World System در آثار ایمانوئل وانرشاین بیش از دیگران به چشم می‌خورد و از دهه ۱۹۷۰ در ادبیات مربوط به توسعه و توسعه‌نیافتگی و اقتصاد سیاسی کاملاً رایج شده است. در زبان فارسی نیز آن را به «نظام جهانی» ترجمه کرده‌اند. ما هم از این معادل استفاده کرده‌ایم. همان‌طور که در متن مقاله دیده می‌شود، نظام جهانی به لحاظ محتوایی از Global System متمایز است. ما نیز برای تمیز میان این دو، معادل نظام سیاره‌ای را برای دومی به کار برده‌ایم.



رویکرد اول با مفهوم بین‌المللی و رویکرد چهارم با مفهوم فراملی از سیاره‌ای‌شدن جهان مشخص می‌شود در حالی که رویکرد دوم و سوم از هر دو مفهوم استفاده می‌کنند.

رویکرد نظام جهانی مبتنی بر تمایز مرکز سرمایه‌داری و کشورهای نیمه پیرامونی و پیرامونی برحسب نقش آنان در تقسیم کار بین‌المللی است. رویکرد فرهنگ جهانی بر مسائلی که فرهنگ یکسان‌سازی مبتنی بر رسانه‌های جمعی برای هویت‌های ملی ایجاد می‌کند، متمرکز است، در حالی که رویکرد جامعه جهانی بیشتر مسائل حاکمیت و امنیت جهانی را در کانون توجه قرار می‌دهد. رویکرد نظام سیاره‌ای بر مفهوم اقدامات فراملی سرمایه‌داری جهانی در قلمروهای

مساکنان سیاره زمین وارد مرحله سوم یعنی مرحله «اقتصاد فرهنگی» شده‌اند. وی در صفحه ۱۰۳ همان کتاب اشاره می‌کند که «جامعه بشری نمی‌تواند فراتر از محدودیت‌های فیزیکی کره زمین و منابع آن، گسترش یابد». همین مضامین در نوشته‌های محققان دیگری نظیر Giddens ، Scholte ، Hobden ، Halliday ، Albrew ، Held ، Harvey ، McGrew و دیگران نیز دیده می‌شود. این مضامین ما را به انتخاب واژه «سیاره‌ای‌شدن» رهنمون شد. بعضی دوستان واژه یکپارچه‌شدن یا یکپارچگی را پیشنهاد کردند که بنا به تعریف کوتاه و در عین حال گویای گیدنس در کتاب *The Consequences of Modernity* (1990, 175) و نیز تعریف Waters در کتاب *Globalization* (1995:136) از واژه فوق که آن را فرایندی متمایزکننده و در عین حال یکسان‌ساز، یا فرایندی تجزیه‌کننده و در عین حال هماهنگ‌کننده نامیده‌اند، این پیشنهاد مناسب تشخیص داده

بررسی کلی

مطالعه سیاره‌ای‌شدن جهان در علوم اجتماعی عمدتاً بر محور دو پدیده اساسی که طی چند دهه گذشته به‌طور روزافزونی اهمیت پیدا کرده‌اند، دور می‌زند. این دو عبارت‌اند از: گسترش شرکت‌های فراملی (TNCs) از طریق فرایندهایی نظیر جهانی‌شدن سرمایه و تولید و تقسیم کار جدید بین‌المللی، و قلمرو جهانی و سایل ارتباط جمعی مدرن.

حداقل چهار منبع تحقیق در مورد سیاره‌ای‌شدن جهان در علوم اجتماعی وجود دارد که تقریباً می‌توان آنها را به صورت زیر مشخص کرد، رویکرد نظام جهانی (World System)، رویکرد فرهنگ جهانی (Global Culture)، رویکرد جامعه جهانی (Global Society)، و سرانجام رویکرد نظام سیاره‌ای (Global System).

اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - ایدئولوژیک متکی است.

در این مقاله سه موضوع مهم متداخل نیز بررسی می‌شود که عبارت‌اند از تغییرات محیط زیست جهانی، جنسیت و جهانی شدن، و شهرهای جهانی.

۱. مقدمه

واژه سیاره‌ای شدن جهان یا جهانی شدن یک ایده نسبتاً جدید در علوم اجتماعی است، اگرچه افرادی که روی مسئله شرکت‌های فراملی کار می‌کنند یا راجع به آنها مطلب می‌نویسند یا در خصوص تجارت بین‌المللی کار می‌کنند مدتهاست که از این واژه استفاده می‌کنند.

ویژگی محوری ایده سیاره‌ای شدن این است که اغلب مسائل امروزی را نمی‌توان به‌طور کامل در سطح دولت - ملت مورد مطالعه قرار داد؛ به عبارت دیگر این مسائل در سطح روابط بین‌المللی هستند، لیکن باید آنها را در قالب عبارت فرایندهای جهانی یا فراملی و فراتر از سطح دولت - ملت در نظر گرفت. برخی دانشمندان، سیاستمداران و مفسران مشهور حتی با خیلی فراتر از اینها گذاشته و پیش‌بینی کرده‌اند که نیروهای جهانی یعنی شرکت‌های فراملی و سایر نهادهای اقتصادی بین‌المللی، آنچنان قدرتمند می‌شوند که اهمیت و حتی موجودیت دولت - ملتها مورد تردید جدی است.

نقطه تمرکز محققان مسائل سیاره‌ای شدن جهان دو پدیده است که در طی چند دهه اخیر از اهمیت روزافزونی برخوردار شده‌اند. این دو پدیده عبارت‌اند از گسترش شرکت‌های فراملی از طریق

فرایندهایی نظیر جهانی شدن سرمایه و تولید و نیز تقسیم کار جدید بین‌المللی و تغییراتی که در قلمرو جهانی وسایل ارتباط جمعی به‌وقوع پیوسته است. شرکت‌های فراملی بزرگ داراییها و فروش سالانه‌ای بسیار بیشتر از تولید ناخالص ملی اغلب کشورهای جهان دارند. در اواسط دهه ۱۹۹۰، تنها حدود ۷۰ کشور (که اکثریت آنها کشورهای توسعه یافته صنعتی هستند) دارای تولید ناخالص ملی بیش از ۱۰ میلیارد دلار بوده‌اند. برعکس، تقریباً ۴۰۰ شرکت فراملی فروش سالانه‌ای بیش از ۱۰ میلیارد دلار داشته‌اند. از این رو، چنین نام‌های شناخته‌شده‌ای نظیر امریکن اکسپرس، جنرال موتورز، شل، تویوتا، فولکس واگن، نستله، سونی، پپسی، کوکا، گداک، زیراکس (و خیلی شرکت‌های دیگر که اغلب مردم حتی نام آنها را نیز هرگز نشنیده‌اند) قدرت اقتصادی بسیار بیشتری در مقایسه با اکثر کشورهای جهان دارند. این ارقام به‌سادگی نشانگر عظمت و بزرگی شرکت‌های فراملی در مقایسه با اغلب کشورهای جهان هستند.

شرکت‌های فراملی نه تنها از نظر اندازه در دهه‌های اخیر رشد داشته‌اند، بلکه «دسترسی جهانی» آنها نیز به‌طور حیرت‌آوری توسعه یافته است. شرکت‌های فراملی نظیر کلمگیت - پالمولیو، آون، آی‌بی‌ام، نستله، آی‌سی‌آی، یونیلور و... بیش از نیمی از درآمد خود را از فروش خارجی به‌دست می‌آورند و بیشتر شرکت‌های فراملی بخش قابل توجه عملیات تولیدی خود را در کشورهای خارجی که شامل اغلب کشورهای تازه صنعتی شده نیز می‌شوند، انجام می‌دهند.

دومین پدیده مهم، گسترش جهانی رسانه‌های گروهی به‌ویژه تلویزیون است. جمع کل تعداد

حجم بزرگی از نوشته‌ها را در طی بیست سال گذشته به خود اختصاص داده است (برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به نوشته‌ی والرشتاین ۱۹۷۹). به یک معنا، والرشتاین و مکتب او به درستی می‌تواند ادعا کند که «جهانی» واقعی بوده است، زیرا چه چیزی می‌تواند جهانی‌تر از «نظام جهانی» باشد. با این وجود، هیچ مفهوم خاصی از واژه «جهانی» در ادبیات نظام جهانی وجود ندارد. منشأ واژه سیاره‌ای را می‌توان عمدتاً از انتقاداتی که بر مشکلات دیرین مدل نظام جهانی در برخورد با مسائل فرهنگی وارد شده است، ردیابی کرد. والرشتاین درباره‌ی فرهنگ به عنوان میدان جنگ ایدئولوژیکی جهانی مدرن، نقد آن توسط بوینه^۲ و تلاش والرشتاین برای دفاع از موضع خود در مقاله‌ای تحت عنوان «فرهنگ، نظام جهانی است» این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد (این موارد در کتاب ۱۹۹۰ فدرستون^۳ آمده است).

از این رو در واقع، هیچ بعد مشخص سیاره‌ای در مدل نظام جهانی، قطع نظر از کانون بین‌المللی که همواره روی آن تأکید داشته است وجود ندارد. والرشتاین خودش به‌ظاهر هرگز از واژه سیاره‌ای استفاده نکرده است. اقتصاد مدل نظام جهانی مبتنی بر تقسیم کار بین‌المللی است که تمایز بین کشورهای مرکز، شبه پیرامونی و پیرامونی را باعث شده است. سیاست نیز در این مدل اغلب به حرکت‌های ضد سیستمی و جدال ابرقدرتها محدود شده و مسائل فرهنگی تا آنجایی که این مدل با آن سروکار دارد گفتگوهایی درباره‌ی «ملی»، «جهانی» و

تلویزیونها در کشورهای جهان سوم در سالهای اخیر آنچنان رشد کرده است که اغلب محققان می‌گویند که تأثیر جهانی‌شدن از طریق رسانه‌های جمعی در جهان سوم، در حال انجام است. (اسکلیر، ۱۹۹۵). مالکیت و کنترل تلویزیون، شامل سیستمهای ماهواره‌ای و کابلی و رسانه‌های همراه آنها نظیر روزنامه‌ها، مجلات و انتشارات کتاب، فیلم، ویدئو، ضبط صوت و دیسک فشرده و انواع گوناگون سایر رسانه‌های بازاریابی اغلب در دست چند شرکت فراملی خیلی بزرگ متمرکز است. سلطه‌ی شرکت‌های فراملی امریکایی، امروزه توسط شرکت‌های ژاپنی، اروپایی، استرالیایی و حتی شرکت‌های جهان سومی نظیر امپراطوری تی‌وی گلوبو^۱ از کشور برزیل مورد چالش قرار گرفته است.

به همین دلایل، این امر هر روزه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود که اقتصاد جهانی و جامعه جهانی را به‌صورت سیاره‌ای و نیز به‌صورت ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و اغلب دانشمندان علوم اجتماعی این چالش را جدی گرفته‌اند. در انجام این امر، چندین مدل مختلف رقیب از نظریه و تحقیقات جهانی شدن، پدید آمده است. این مدل‌ها دارای عناوین زیر هستند: نظام جهانی، فرهنگ جهانی، جامعه جهانی، و نظام سیاره‌ای.

۲. مدل نظام جهانی

نخستین منبع تحقیقات سیاره‌ای شدن جهان، مدل نظام جهانی با الهام از اثر ایسمانوتل والرشتاین است. نظام جهانی به‌عنوان یک مدل در تحقیقات علوم اجتماعی به‌طور گسترده‌ای توسعه یافته و

1. T.V. Globo

2. Boyne

3. Featherstone

جهان‌گردی)، رابرتسون^۲ در فرهنگ و مذهب، و ترنر^۳ در مدرنیسم و پسامدرنیسم. اگرچه این محققان را نمی‌توان مانند محققان نظام جهانی یک مکتب فکری نامید، اما یک سری مضامین مشترک در کار همه آنها وجود دارد. نخست اینکه همه آنها به این مسئله علاقه دارند که چگونه می‌توان هویت فردی یا هویت ملی را در مقابل ظهور یک فرهنگ جهانی حفظ کرد. دوم اینکه آنها مسائل فرهنگی را بر مسائل سیاسی و اقتصادی ترجیح می‌دهند.

ویژگی بارز و برجسته این مدل این است که وجود فرهنگ جهانی را به‌عنوان یک واقعیت، یا یک امکان یا پندار مورد تردید قرار می‌دهد. این موضوع بر رشد سریع وسایل ارتباط جمعی در چند دهه اخیر و به «دهکده جهانی» مارشال مک‌لوهان^۴، متکی است. ایده اصلی در این مدل این است که گسترش وسایل ارتباط جمعی و به‌ویژه تلویزیون، به این مفهوم است که تمام افراد جهان می‌توانند در یک لحظه در معرض تصاویر یکسان قرار بگیرند. این پدیده تمام دنیا را به‌نوعی دهکده جهانی تبدیل می‌کند.

برخی نظریه‌پردازان جهانی شدن فرهنگ به بحثهای جاری در خصوص پسامدرنیسم نیز کمک کرده‌اند. در این بحثها تغییرات در رسانه‌های جمعی و ارائه واقعیتها از سوی آنها نقش محوری دارند. مجموعه مقالاتی که توسط البرو و کینگ^۵ (۱۹۹۰) ویرایش شده است نیز گویای توجه به این فوایندها است. در این مجموعه چند مسئله محوری درباره

مفهوم تمدن یا تمدنها در علوم اجتماعی را شامل می‌شود. اما اغلب دانشمندان متقاعد نشده‌اند که مدل نظام جهانی که معمولاً اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، بتواند به‌طور مناسب و کافی مسائل فرهنگی را حل و فصل کند.

نقطه نظر و ایده‌های زیادی وجود دارد که مدل نظام جهانی را فراتر از نظام دولت - ملت تصور می‌کنند، اما هر مفهومی که نظریه‌پردازان نظام جهانی مد نظر داشته باشند، در چارچوب نظام اقتصاد جهانی است، که خود مبتنی بر نظام دولت - ملت است. برای مثال، با آنکه توجه به ایده زنجیره کالا، شبکه نیروی کار، و فرایند تولید که به کالاهای ساخته شده می‌انجامد، باعث عدم توجه به دولتهای مرکزی، شبه پیرامونی و پیرامونی در دهه ۱۹۹۰ شده است، اما این دیدگاه هنوز هم عمده‌تأ دولت - محور است. نظریه‌پردازان نظام جهانی، معمولاً واژه‌های جهانی و بین‌المللی را به جای یکسدیگر به کار می‌برند. مطمئناً این یکی از کاربردهای واژه جهانی است، اما این نوع استفاده از کلمه کاملاً زاید و غیرضروری به نظر می‌رسد، زیرا واژه «بین‌المللی» در ادبیات و نوشته‌های علوم انسانی بسیار رایج است.

۳. مدل فرهنگ جهانی

دومین مدل جهانی خصوصاً از تحقیقات در مورد جهانی شدن فرهنگ گرفته شده است. این مدل در مجموعه مقالاتی در مجله نظریه، فرهنگ و جامعه، ویراسته فدرستون به‌خوبی توصیف شده است (۱۹۹۰). نویسندگانی که در این حوزه کار می‌کنند عبارت‌اند از فدرستون در مصرف‌گرایی، یوری^۱ در مسائل جهان‌گردی (رجوع شود به مدیریت و

1. Urry
2. Robertson
3. Turner
4. Marshal McLuhan
5. M. Albrow & E. King

از پیشگامان این مدل است (آلجر، ۱۹۸۸). هیچ وجه اشتراک نظری در کارهای آلجر، ملینار و سایر نویسندگانی که به این مسئله پرداخته‌اند، مشاهده نمی‌شود. وجه مشترک آنها اصرار بر نظریه‌پردازی این مدل و تحقیق دربارهٔ سوالهایی از این قبیل است که در فرایند سیاره‌ای شدن جهان بر سر هویت‌های منطقه‌ای، در داخل یک کشور، و در میان کشورها چه خواهد آمد. از این رو، این مدل بخشی از مدل عمومی جهانی شدن فرهنگ است با تأکید مشخص بر جنبهٔ سرزمینی آن.

بدون شک سؤال اصلی پژوهشی همهٔ این نویسندگان، خودمختاری فرهنگ‌های محلی در رویارویی با فرهنگ در حال پیشرفت جهانی است. برخوردهای مختلف فرهنگ‌های محلی در مقابل نیروهای جهانی شدن، آنها را به سوی برنامه‌های فرهنگی، سیاسی و جامعه‌شناختی در سرتاسر جهان کشانده است. این مسئله با تمرکز مدل سوم جهانی شدن که بر ایدهٔ جامعهٔ جهانی متکی است، تداوم می‌یابد.

مدلهای جامعهٔ جهانی

از آنجا که جهان به دولتهای حاکم تقسیم شده است و اغلب آنها دارای فرهنگ‌های ملی نسبتاً روشن و یکپارچه‌ای هستند، یا دست‌کم دارای فرهنگ‌های مسلط‌اند، بهتر است که این دولتها را به صورت عناصر اصلی نظام جهانی در نظر بگیریم. این آن چیزی است که رشتهٔ دانشگاهی روابط بین‌الملل مایل به انجام آن است، با وجود این، حتی در اینجا نیز این احساس که برخی از روابط مهم

ایده‌های جامعه‌شناسی جهانی، جامعهٔ جهانی و جهانی شدن به عنوان حوزه‌های مسائل جدید در علوم اجتماعی مطرح شده است. یک تأکید مهم جهانی شدن خود جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته است. این امر به چند طریق مهم به بحثهایی که دربارهٔ تمامیت فرهنگ‌های ملی در دنیای در حال سیاره‌ای شدن مطرح است، مربوط می‌شود.

محلی‌گرایی - جهانی

یک زیر مجموعه از رویکرد فرهنگ جهانی که به «محلی‌گرایی - جهانی» معروف است از فکر عده‌ای از دانشمندان از کشورها و سنت‌های مختلف علوم اجتماعی نشأت گرفته است. اینان سعی دارند که به شبکهٔ کاملاً پیچیدهٔ روابط جهانی و محلی معنی و مفهوم ببخشند. وجه اشتراک زیادی بین این رویکرد و رویکرد مدل فرهنگ جهانی وجود دارد، اما پژوهشگران «محلی‌گرایی - جهانی» بر روی ابعاد «سرزمینی» آن تأکید بیشتری دارند.

کمیت‌های تحقیقاتی انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی (ISA) در توسعهٔ این دیدگاه بسیار فعال بوده‌اند. دوازدهمین کنگرهٔ جهانی جامعه‌شناسی در مادرید در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ دربارهٔ مضمون جامعه‌شناسی برای یک جهان: وحدت و کثرت، سازماندهی شده بود. ملینار^۱ گزارش می‌دهد که «موضوع جهانی شدن به راحتی پذیرفته شده است و کتابی که او ویرایش کرده نشانگر موضوعات متفاوتی است که در مادرید و پس از آن مطرح شده است.

اگر در اروپا ملینار از مبتکران مدل جهانی - محلی است در ایالات متحد آلجر^۲ که در یک سری مقاله مفهوم «محلی - جهانی» را توضیح داده است

1. Milnar

2. Alger

نای، ۱۹۷۰) نشان دادند که بر روی این خطوط فکری که متأثر از کتاب جنگ و صلح ریمون آرون، جامعه‌شناس فرانسوی بود کار می‌کنند. در این کتاب که در سال ۱۹۶۶ به زبان انگلیسی ترجمه شد، اندیشه «جامعه فراملی» مطرح شده بود. کیوهن، و نای و همکارانشان، کنش متقابل بین حکومتها و جامعه فراملی و ائتلافهای فراملی در میان زیرمجموعه حکومتها را به عنوان بازتاب مهمی از این ایده مورد تحقیق و پژوهش قرار دادند. بنابراین، رویکرد روابط فراملی یک نظریه ویژه نیست، بلکه نوعی ایجاد انگیزه در محققان برای توجه بیشتر به نهادهای غیرحکومتی است، به ویژه زمانی که این نهادها با حکومتها در مرزهای دولتی به کنش متقابل می‌پردازند. پیروی از مکتب التقاطی چیزی است که توجه اغلب دانشمندان را به خود جلب کرده است.

مباحث بعدی تحولات در این زمینه را می‌توان در نوشته‌های^۱ و دیگران تحت عنوان «نوآوری و آینده آن، ۱۹۹۲» در مورد درک جوامع مدرن که برای دانشگاه آزاد بریتانیا تدوین شده است ملاحظه کرد. این کتاب جهانی شدن را با بحثهای نوگرایی و فرانوگرایی حول این محور که نوگرایی به یک پدیده پیشرونده جهانی تبدیل شده است مربوط می‌سازد. در فصل دوم آن تحت عنوان «یک جامعه جهانی» اثر مک‌گرو^۲ این سؤال پیچیده مطرح شده است که: آیا جهانی شدن موجب تقویت یا نابودی نوگرایی، سرمایه‌داری و دولت -

بین‌الملل لزوماً میان دولتها نیست معمولاً پذیرفته شده است.

برتون^۱ در یک سری از کتابها از سال ۱۹۶۰ به دنبال نظریه جامعه جهانی بوده است. به نظر او مطالعاتی که مبتنی بر دولتهاست نمی‌تواند ادراکی از جامعه جهانی در داخل یا در بین دولتها به ما بدهد. آنچه را که او «مدل توپ بیلیارد» می‌نامد، تنها روابط متقابل حکومتها را به رسمیت می‌شناسد. از لحاظ تاریخی، جامعه جهانی فقط طی چند صد سال گذشته به صورت یک ایده قابل قبول درآمد و قرن بیستم که حاصل علم و تکنولوژی، صنعت و ارزشهای همگانی است با همه قرون گذشته متفاوت است. برتون معتقد است که به جای تصویر جغرافیایی دولتها باید از تصویر رفتاری نظام استفاده شود. اما او می‌پذیرد که در دهه ۱۹۶۰ جامعه جهانی در یک دوران گذار بوده که هم دولتها و هم نظامها را شامل می‌شده است. ادبیات جهانی دارای این مضمون است که قدرت دولت - ملت روزه‌روز کاهش می‌یابد و بسیاری بر این باورند که از دهه ۱۹۶۰ به بعد دولت - ملت جایگاه خود را از دست داده است. برتون به مسائلی نظیر جهانی شدن سرمایه، چالشهای طبقاتی یا ایدئولوژیک زیاد توجه نمی‌کند، اما نخستین اثر او دریچه‌ای به سوی رویکرد جامعه جهانی به سیاره‌ای شدن جهان گشوده است.

گروهی از دانشمندان آمریکای شمالی، به موازات فعالیت برتون و کاملاً مستقل از وی، تلاش آشکاری برای جایگزینی مدل دولت - محور با مدل روابط فراملی که تمرکز آن بر کنش متقابل فراملی و سازمانی بود، به عمل آوردند. در یک مجموعه مقاله بسیار مهم، کیوهن^۲ و نای^۳ (کیوهن و

1. Burton
2. Keohane
3. Nye
4. Hall
5. McGrew

ملت می‌شود؟ ایده آنتونی گیدنز^۱ (۱۹۹۰) در مورد از بین رفتن فاصله زمان و مکان و نظر هاروی^۲ (۱۹۸۹) درباره فشرده شدن زمان و مکان نشان‌دهنده این واقعیت است که چگونه فرایند جهانی شدن زمان و مکان را برای مردم سراسر جهان منبسط، منقبض، و عمیق می‌کند و از این رو برخی از شرایط جامعه جهانی را به وجود می‌آورد. گیدنز (۱۹۹۰) به‌ویژه این دیدگاهها را در تجزیه و تحلیل خود از نوگرایی بررسی کرده است. او برای جهانی شدن ۴ بعد قائل است که عبارت‌اند از: نظام دولت - ملت، نظم نظامی جهان، تقسیم کار بین‌المللی، و اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، و همه آنها را نتیجه خود نوگرایی می‌داند. همچنین تغییرات روابط کلیدی اجتماعی را بر حسب رابطه میان تمایلات جهانی شدن نوگرایی و رخدادهای محلی در زندگی روزمره مشخص می‌کند. این مضمون توسط نویسندگان دیگری که با تضادهای آشکار بین یکپارچگی و فروپاشی محلی و نیز کشاکشی که بر اساس قومیت و سایر انواع علائق خاص درگیر بوده‌اند به تفصیل توضیح داده شده است. برای مثال پرلماتر^۳ می‌گوید که نوع بشر بر روی یک «جاده سنگلاخ به سوی نخستین تمدن جهانی» پیش می‌رود در حالی که دیگران، مثلاً رایبرت گیلپین، درباره پیشرفت به سوی این هدف بسیار مشکوک هستند. از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد که ایده جامعه جهانی بیش از پیش در علوم اجتماعی مورد بحث قرار بگیرد.

۵. مدل نظام سیاره‌ای

چهارمین مدل جهانی شدن تلاشی است برای پردازش نظریه نظام سیاره‌ای که بر کارکرد شرکت‌های

فراملی استوار است (اسکلیر، ۱۹۹۵). نکته مهم در اینجا تعریف مفهومی از سیاره‌ای شدن است که شامل چیزی فراتر از روابط بین دولتهاست. از آنجا که جهان در قالب کشورهای مستقل و جداگانه سازماندهی شده است، رویکرد «طبیعی» به نظام سیاره‌ای، رویکردی دولت - محور است که بر روی نقش دولتها تأکید دارد و برای نظام موجود دولت - ملت، اهمیت اساسی قائل است. در حالی که مدل نظام سیاره‌ای موضوع دولت - ملت را نادیده نمی‌گیرد، مفهوم نظام سیاره‌ای مبتنی بر عملکردهای فراملی را به آن اضافه می‌کند.

عملکردهای فراملی اقداماتی است که توسط بازیگران غیردولتی در فراسوی مرزهای دولتی انجام می‌شود. این اقدامات را می‌توان در سه حوزه کاملاً متمایز مورد تجزیه و تحلیل قرار داد: حوزه اقتصادی، حوزه سیاسی، حوزه فرهنگی - ایدئولوژیک. به گفته اسکلیر در شرایط پیچیده کنونی جهان یعنی جهانی که ساختارهای آن عمدتاً توسط سرمایه‌داری جهانی شکل گرفته است، هر یک از عملکردهای فوق به طور عمده و نه منحصراً، توسط یک نهاد عمده مشخص می‌شود. این نهادها عبارتند از: شرکت‌های فراملی به عنوان مهمترین این نهادها برای عملکرد اقتصادی فراملی؛ طبقه سرمایه‌دار فراملی برای عملکرد سیاسی فراملی؛ و فرهنگ و ایدئولوژی مصرف‌گرایی برای عملکردهای فرهنگی - ایدئولوژیک.

مفهوم «عملکردهای فراملی» برای حل نظری و عملی این مسائل که اشکال متعارف دولت - محور

1. Anthony Giddens
2. D. Harvey
3. Perlmutter

مفهوم طبقه سرمایه‌دار فراملی به این معنی است که فقط یک طبقه سرمایه‌دار فراملی مرکزی وجود دارد که برای کل سیستم تصمیم‌گیری می‌کند و در هر محلی از جهان با طبقه سرمایه‌دار فراملی در ارتباط است. طبقه سرمایه‌دار فراملی محلی، مأموریت خود را سازماندهی شریطی می‌داند که تحت آن منافع وی و منافع نظام (که اغلب، ولی نه همیشه، بر هم منطبق‌اند) در یک کشور، منطقه، یا جامعه خاص افزایش یابد. از این رو، حوزه‌های زیادی برای تحقیق دربارهٔ ویژگیهای جهانی این طبقه و اجزای آن در مناطق خاص و کسانی که مخالف آن هستند، به‌ویژه جنبش کارگری، وجود دارد. عدم موفقیت اتحادیه‌های کارگری در سازماندهی خود به صورت یک سازمان بین‌المللی (تا چه رسد به جهانی) منجر به تمرکز توجه به جنبشهای به‌اصطلاح جدید اجتماعی نظیر نهضت آزادی زنان، طرفداران محیط زیست، و نیز انواع جنبشهای فقرا شده است.

فرهنگ - ایدئولوژی مصرف‌گرایی بازتابی مهم از ایدهٔ امپریالیسم فرهنگی و رسانه‌ای است که توجه خود را عمیقاً به جایگاه استثنایی مصرف‌گرایی در سرمایه‌داری معاصر معطوف داشته است. اثر فرهنگ - ایدئولوژی مصرف‌گرایی افزایش انواع انتظارات و آرزوهای مصرف‌کننده بدون تأمین درآمدی که برای تهیه و تأمین اقلام مصرفی لازم است. بنا بر نظریهٔ نظام سیاره‌ای، سرمایه‌داری این وعده را می‌دهد که ادغام هر چه مستقیم‌تر جوامع محلی با سرمایه‌داری جهانی منجر به زندگی بهتر برای همه خواهد شد. این شرایط برای اغلب مردم (و نه تمام آنها) در

جامعهٔ بین‌المللی، یا نظام دولت - ملت نمی‌توانند به‌طور مناسب یا اصولی پاسخگویی آنها باشند، مطرح شد. برای مثال، چگونه می‌توانیم مسئلهٔ آشکار استثمار یک کشور توسط کشور دیگر را که اغلب نظریه‌ها (به‌ویژه نظریه‌های امپریالیسم یا وابستگی) اقامه می‌کنند حل کنیم؟ آیا معنای آن این است که افراد فقیر امریکای شمالی، افراد غنی امریکای جنوبی را مورد استثمار قرار داده‌اند؟ مدل نظام سیاره‌ای توجهات را به سوی سرمایه‌داران فراملی جلب می‌کند نه کشورها. همچنین، وقتی نظریه پردازان نظام جهانی پیش‌بینی می‌کنند که کره جنوبی به زودی به کشورهای مرکز خواهد پیوست و بریتانیای کبیر به زودی به کشوری نیمه پیرامونی تبدیل خواهد شد، به نظر می‌رسد که این نظریه پردازان ساختار طبقاتی محلی و بین‌المللی را به درستی درنیاخته‌اند. البته دانشمندان علوم اجتماعی تحقیقات مفیدی دربارهٔ کرهٔ جنوبی و بریتانیا انجام داده‌اند، اما یک مدل واقعی سیاره‌ای مستلزم چیزی فراتر از مقایسه‌های بین‌المللی است. برنامه‌های تحقیقاتی مدل نظام سیاره‌ای به این نکته می‌پردازد که چگونه شرکتهای فراملی، طبقات سرمایه‌دار فراملی، و فرهنگ - ایدئولوژی مصرف‌گرایی به صورت نظام‌مند برای تغییر سرمایه‌داری جهانی عمل می‌کنند (رجوع شود به نخبگان اقتصاد بین‌المللی)^۱. طبقهٔ سرمایه‌دار فراملی شامل افراد زیر است:

- مدیران شرکتهای فراملی و وابستگان محلی آنها
- بوروکراتهای دولتی طرفدار جهانی شدن
- سیاستمداران و مستحصانی که از سرمایه‌داران الهام می‌گیرند
- نخبگان مصرف‌گرا (تجار - رسانه‌ها)

ترکیب این دو نیز چارچوبی برای مطالعه تغییرات آب و هوایی جهانی در بستر «توسعه پایدار» به وجود آورده است. تحت این دستورالعمل، سازمان ملل متحد چندین نهاد را برای اداره تغییرات زیست محیطی در سطح جهانی ایجاد کرده و برخی پیشرفتهای مشهود نیز در این زمینه حاصل شده است که می توان به عنوان نمونه به کنترل گازهای CFC، کنترل جو، اقیانوسها، جنگلها و سایر منابع طبیعی که اصطلاحاً یا میراث مشترک جهانی نامیده می شود اشاره کرد.

چون نگرانیهای زیست محیطی به آرامی در تمامی برنامه های رسمی سیاسی و عمومی در سرتاسر دنیا نفوذ می کند، به نظر می رسد که این امر حوزه اصلی نظریه جهانی شدن و تحقیقات را در آینده نزدیک تشکیل می دهد.

جنسیت و جهانی شدن

به نظر اکثر نویسندگان، جنسیت به دو دلیل عمده یک نقش فوق العاده مهم در فرایند جهانی شدن بازی می کند. نخست اینکه از لحاظ تاریخی، مباحثات جهانی شدن از نوع جدید تقسیم کار بین المللی که در سال ۱۹۸۰ توسط فروبل^۱ و دیگران فرمولبندی شد، نشأت گرفته است. فروبل بر نقش زنان جوان تأکید می کند که در مناطق صادراتی برای شرکتهای فراملی کار می کنند (اسکلیر، ۱۹۹۵). در حالی که اهمیت اقتصادی این مناطق برای خلیها مورد تردید است، هیچ تردیدی درباره اهمیت نمادین آنها در ترویج الگوهای درحال تغییر اقتصاد جهانی و نتایج اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن وجود ندارد.

کشورهای سرمایه داری مرکز فراهم است، ولی باید دید که آیا همه افراد جهان در واقع می توانند انتظار زندگی یکسان با مردم جهان اول را داشته باشند. مسئله مجوری برای مدل نظام جهانی حد و حدودی است که در آن قیدوبندهای اقتصادی و زیست محیطی در برابر انباشت سرمایه خصوصی، برنامه سرمایه داری جهانی را به طور عام و فرهنگ - ایدئولوژی مصرف گرایی آن را به طور خاص مورد چالش قرار می دهد.

۶. مسائل متداخل

چند مسئله مهم متداخل وجود دارد که به طور گسترده ای هم در داخل و هم در خارج از این چهار مدل مورد بحث قرار می گیرند. مهمترین این مسائل عبارتند از: تغییرات زیست محیطی جهانی، جنسیت و جهانی شدن و شهرهای جهانی.

تغییرات زیست محیطی جهانی

در حالی که ادبیات مربوط به جنبه های مختلف جهانی شدن جهان در طی دهه گذشته به سرعت گسترش یافته است، بی هیچ مبالغه ای می توان گفت که ادبیات مربوط به تغییرات زیست محیطی پیشتر از این فرایند بوده است. این امر تا حدودی ناشی از توجه روزافزون به نتایج سیاسی، علمی و عمومی کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه که در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شد، و نیز تا حدودی بر اثر تخریب روزمره زیست محیطی (انهدام لایه اوزون، کاهش انواع موجودات زنده، آلودگی نگران کننده آب و هوا و نظایر اینها) و برخی فجایع ناگهانی زیست محیطی (مثل بوپال، چرنوبیل و لکه های نفتی) بوده است.

مختلف مورد انتقاد قرار گرفته و به نظر می‌رسد که عمده‌ترین دلیل آن باز تولید مسائلی است که در تجزیه و تحلیل نظام جهانی وجود دارد. با وجود این، فرمولبندی وی یک نقطه شروع عالی برای این جنبه از مطالعات جهانی به شمار می‌رود. تحقیق بعدی در مورد شهرهای جهانی به ارتباطات درونی بین اقتصاد جهانی، مناطق، شهرها و جوامع می‌پردازد و بر روی نقش جهانی برخی از شهرها مانند لندن، نیویورک، لس آنجلس و توکیو که توجه خیلی از افراد را به خود جلب کرده است، تأکید دارد.

۷. نتیجه

این گزارش از وضعیت مطالعات سیاره‌ای شدن تا به امروز، بر روی آنچه که نهادها، فرایندها و نیروهای بین‌المللی را از نهادها، فرایندها و نیروهای جهانی یا فراملی متمایز می‌کند، متمرکز شده است. این مطالعات تقریباً به صورت انحصاری مبتنی بر ادبیات اروپایی و آمریکای شمالی است ولی مانع از دسترسی به مفاهیم کاملاً متفاوت از سیاره‌ای شدن جهان که در سایر نقاط جهان به وجود آمده است، نمی‌شود. در آثار آکیوو^۱، مکینده^۲، لایروی^۳ و تائیوو^۴، دائو وادی^۵ و آبازا^۶، و استاوت^۸ که به همه آنها در کتاب سال ۱۹۹۰ کینگ و آکبرو ارجاع داده شده است

ثانیاً، تز «زنانه کردن فقر» توجه را به نتایج منفی سیاستهای تعدیل ساختاری در سطح جهان بر روی زنان شهری و روستایی و خانواده‌های آنها جلب کرده است. این سیاستها توسط نهادهای مالی و مؤسسات کمک‌کننده بین‌المللی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ارائه و توسط دولتهای ملی در اکثر کشورهای فقیر اعمال شده است. این یکی از حوزه‌هایی است که در آن نتایج محلی سیاستهای اقتصادی و اجتماعی جهانی به‌طور کامل بررسی شده و نتایج حاصل حاکی از آن است که فرایندهای جهانی شدن جهان تأثیرهای کاملاً متفاوتی بر روی مردان و زنان دارد، و احتمالاً برای زنان رنج و سختی بیشتر و برای مردان فرصتهای فراوانتر به ارمغان خواهد آورد.

شهرهای جهانی

با رشد شدید شهرنشینی طی چند دهه گذشته، به‌ویژه در جهان سوم، بیشتر دانشمندان اهمیت جهانی و ملی شهرها را مورد مطالعه قرار داده و به ایده شهر جهانی رسیده‌اند. فریدمن^۱ که یک فرمولبندی مؤثر را در این زمینه ارائه داده است بر این باور است که اهمیت شهرها را با این پرسشها می‌توان مشخص کرد. آیا شهر یک مرکز عمده مالی است؟ آیا ستاد شرکت‌های فراملی جهانی یا منطقه‌ای در آن شهر قرار دارد؟ آیا دارای رشد سریع خدمات شهری است، یا به مرکز عمده تولید کارخانه‌ای یا مرکز مهم حمل و نقل تبدیل شده است؟ براساس این معیارها فریدمن یک «سلسله مراتب شهر جهانی» با شهرهای درجه اول و درجه دوم در کشورهای مرکز و کشورهای نیمه پیرامونی تعریف کرده است. فرمولبندی وی به دلایل

1. Friedmann
2. Akiwo
3. Makinde
4. Lawuyi
5. Taiwo
6. Dhaouadi
7. Abaza
8. Stauth

واقع‌گرایانه است. از سوی دیگر مدل فرهنگ جهانی دارای گرایش فرهنگی است و به عوامل اقتصادی بهای کمتری می‌دهد. اما چون اغلب نقدهای سیاره‌ای شدن جهان از سوی کسانی مطرح می‌شود که تأثیرات منفی همانند سازی بازاریابی انبوه بر فرهنگهای محلی و فرهنگهای گوناگون تأکید می‌کنند، رویکرد فرهنگی دارای پیروان زیادی است. به نظر می‌رسد که مدل جامعه جهانی هم خوشبینانه و هم جامع است، و یک ترکیب عالی برای تولید دیدگاههای جهانی فراهم می‌کند. اما این ترکیب برای برنامه‌های تحقیقات علمی اجتماعی چندان رضایت‌بخش نیست. سرانجام مدل نظام سیاره‌ای با قائل شدن اولویت برای نظام جهانی سرمایه‌داری و کم توجهی به سایر نیروها خطر یک سو نگری را در خود دارد. در هر صورت این سؤال باقی است: روی دیگر سکه یعنی سرمایه‌داری جهانی از چه اهمیتی برخوردار است؟

اصلاحات لازم در مورد ایده‌های مرسوم اروپایی و امریکایی آمده است. نویسندگان دیگری نیز هستند که تحقیقات ارزنده‌ای در زمینه سیاره‌ای شدن جهان انجام می‌دهند که نوشته‌های آنان لزوماً با چهار مدلی که در اینجا ارائه شد، سازگار نیست. با این وجود نمی‌توان انکار کرد که مسئله سیاره‌ای شدن جهان، به عنوان یک مسئله و یک هدف تحقیقاتی، حتی اگر تاکنون به یک مفهوم کاملاً جاافتاده تبدیل نشده باشد، اکنون در برنامه‌های علوم اجتماعی از جایگاه محکمی برخوردار است.

هر یک از چهار مدلی که در اینجا مورد بحث قرار گرفت، دارای نقاط قوت و ضعف مخصوص به خود هستند. مدل نظام جهانی، بیشتر دارای گرایش اقتصادی است و از این رو اهمیت عوامل سیاسی و فرهنگی را دست‌کم می‌گیرد. اما چون اصطلاح سیاره‌ای شدن جهان غالباً برحسب بازیگران و نهادهای اقتصادی تعبیر می‌شود، از این رو به نظر می‌رسد که مدل نظام جهانی یک رویکرد

موجهها:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- (References cited in the text marked *)
- * Albrow, M. and King, E. (eds) (1990) *Globalization. Knowledge and Society*. London: Sage Publications. (Conveniently reprints articles on globalization from *International Sociology*, the official journal of the International Sociological Association.)
 - * Alger, C. (1988) 'Perceiving, analysing and coping with the local-global nexus', *International Social Science Journal* 117 (August): 321-40. (Authoritative and well-illustrated statement from one of the most influential of the local-global theorists.)
 - * Burton, J. (1972) *World Society*. Cambridge: Cambridge University Press. (One of a series of books in which Burton develops his theory of world society.)
 - * Featherstone, M. (ed.) (1990) *Global Culture: Nationalism, Globalization and Identity*. London: Sage Publications. (Wide-ranging collection of essays from the journal *Theory, Culture and Society*, influential in promoting the cultural study of globalization.)
 - * Friedmann, J. (1986) 'The world city hypothesis', *Development and Change* 17 (1): 69-83. (Seminal paper in the research effort to analyse cities in terms of their global significance, particularly for global capitalism.)
 - * Froebel, F., Heinrichs, J. and Kreye, O. (1980) *The New International Division of Labour*. Cambridge: Cambridge University Press. (Argues that global capitalism is creating a new international division of labour based on cheap, Third World, female workers in export-process-

- sing zones.)
- * Giddens, A. (1990) *The Consequences of Modernity*, Cambridge: Polity Press. (In this book the argument that 'modernity is inherently globalizing' is advanced by a leading social theorist.)
 - * Hall, S., Held, D. and McGrew, T. (eds) (1992) *Modernity and its Futures*, Cambridge: Polity Press/Open University. (Chapter 2 by McGrew presents a useful categorization of approaches to globalization, and Chapter 6 by Hall is on globalization and cultural identity.)
 - * Harvey, D. (1989) *The Condition of Postmodernity*, Oxford: Blackwell. (Connects globalization through the idea of 'time-space compression' with the crisis of capitalism.)
 - * Kenhane, R.O. and Nye, J.S., Jr (eds) (1970) *Transnational Relations and World Politics*, Cambridge, MA: Harvard University Press. (A groundbreaking collection of essays on conceptual, organizational, institutional and ethical features of the idea of transnational relations.)
 - * King, A.D. (1990) *Global Cities: Post-Imperialism and the Internationalization of London*, London: Routledge. (While focused on London, this book contains much valuable analysis of global city theory and research.)
 - * King, A.D. (ed.) (1991) *Culture, Globalization and the World-System*, London: Macmillan.
- (This book is the text of a not entirely successful conference to bring world-system and global culture theorists together for mutual exchange.)
- * Mlinar, Z. (ed.) (1992) *Globalization and Territorial Identities*, Aldershot: Avebury. (Wide-ranging collection of essays, mainly focusing on the issues of how 'minority' cultures cope with the pressures of global cultural homogenization.)
 - * Sklair, L. (1994) 'Global sociology and global environmental change', in M. Redclift and T. Benton (eds), *Social Theory and Environmental Change*, London: Routledge. (An attempt to connect the global capitalist system with the global environmentalist system in the economic, political and culture-ideology spheres.)
 - * Sklair, L. (1995) *Sociology of the Global System*, 2nd edn, London: Harvester and Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press. (Analyses the capitalist global project through transnational corporations, capitalist classes and the culture-ideology of consumerism.)
 - * Wallerstein, I. (1979) *The Capitalist World-Economy*, Cambridge: Cambridge University Press. (This is a convenient summary statement of the world-system approach by its leading exponent.)